



کیفیت تجزیه جسم مطلق

مبدأ هر نوری، مبدأ گرمی است و دور شدن از مبدأ سرد شدن را به دنبال دارد. و همانطور که گفتیم **جسم مطلق** نیز مانند نوری است که با دور شدن از مبدأ گرفتار سردی شده و سردی موجب انجماد و خشکی میشود و همه اینها اسباب تجزیه را فراهم میکند. به این واسطه همبستگی و بساطتش از بین رفته و کثرت در آن ایجاد میشود. البته این علل و عوامل در ذاتش تأثیری نمیگذارد چون او در رتبه خود ایستاده و در اطلاق و ابهام خود باقی است، بلکه صفات (شعاع آن نور) است که تنزل پیدا کرده و دچار کثرت شده است.

برای درک بهتر این مساله مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع مثال حکیمانه ای میزنند:

میفرمایند که جسم مطلق مانند آب است که دوری از مبدأ حکم یخ زدن و جمودت آن را دارد. حال یخ که میشکند و تکه تکه میشود شکسته شدن بر یخ که صفت و تنزل آب است واقع شده نه آب و در هر حال باز هم به همه تکه ها با هر شکل و اندازه ای آب میگوییم.

حال این جمودت و تجزیه بصورتی است که هر جزئی حد مشخصی را به خود اختصاص داده و به هم مربوط و مناسب هم هستند به طوری اگر به همان صورت دوباره جمع شوند یک حقیقت را تشکیل خواهند داد.

آن شاء الله توضیح جمله فوق و چگونگی تفصیل اجزاء را در هفته آینده مرور خواهیم کرد.